

www.ketab.ir

# تاریخ مجموعه سازی در ایران

www.ketab.ir

سرشناسه: تاولی، پرویز، ۱۳۱۶ -  
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مجسمه/ پرویز تاولی.  
مشخصات نشر: تهران: چاپ و نشر نظر، ۱۳۹۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص.: مصور(رنگی).  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۱۵۲-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
موضوع: پیکرتراشی- ایران- تاریخ  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ت۹/ت۵/۹۸۲/۵ NB  
رده بندی دیویی: ۷۳۲/۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۱۷۴۹۶



© موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایران شهر جنوبی، کوچه مشرف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۲۸۹۰۳ - ۸۸۴۳۲۹۴ - ۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

# تاریخ محاسن سازی دوران

پرویز تناولی

از فرهنگ و تمدن تا علمی اکبر حجار

مدیر هنری و طرح روی جلد: روشنگر مافی

صفحه آرایی و اجرا: محبوبه مهربانی

ویراستار: فاطمه کاوندی

عکاسان

علیرضا امتیاز: ۸۴، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵

کیوان بیرانوند: ۷۵، ۷۶، ۷۶ الف

پرویز تناولی: ۲، ۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳

۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۸۱، ۸۲

۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۸ الف، ۹۸ ب

۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷

سهند سعیدیان: ۴۰

قاسم سلیمی: ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۷۹، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱

آنتون سوروگین: ۷۴، ۱۰۵، ۱۱۲

داود صادق‌نساء: ۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۵، ۶۵، ۶۸، ۷۰

۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵

مایکل فرانسیس: ۳۷

فیروز فیروز: ۱۱۰

مارکو گریگوریان: ۱۰۸

علی مجدفر: ۷

موزه‌ها و مجموعه‌ها

گالری آرتو سکلر، واشنگتن دی سی: ۷۴، ۱۰۵، ۱۱۲

مجموعه دیوید خلیلی، لندن: ۱۴، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۸، ۳۹

موزه متروپولیتن، نیویورک: ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶

موزه ملی قطر: ۳۷

موزه هرمیتاژ، سن پترزبورگ: ۲۳، ۲۴، ۲۵

انستیتوی هنر دیترویت: ۳۴

بخش شرقی موزه ایروان: ۱۰۸

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۰۰ جلد

امور پیش از چاپ: سعید کاوندی

مدیر تولید: مهدی ابراهیم

امور آماده‌سازی و انتشار: چاپ و نشر نظر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۱۵۴-۹

هرگونه تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل

فتوکی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و

پخش ممنوع و قابل پیگرد قانونی است

© تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.



گرفت و گیر  
عمارت نارنجستان  
شیراز

|                                                 |     |
|-------------------------------------------------|-----|
| پیشگفتار                                        | ۹   |
| فرهاد کوهکن                                     | ۱۱  |
| مجسمه‌سازی ایران در آخرین روزها                 | ۲۱  |
| فقدان چند صدساله                                | ۲۵  |
| اولین نشانه‌ها                                  | ۳۱  |
| توجه به پیکر انسان                              | ۴۳  |
| مجسمه‌های سفالی و لعابی                         | ۴۹  |
| رکود دوم و آغاز مجدد                            | ۵۳  |
| سهم شیراز                                       | ۷۳  |
| فتحعلی‌شاه                                      | ۸۱  |
| تخت مرمر                                        | ۸۳  |
| تولد دوباره صخره‌تراشی                          | ۹۱  |
| چشمه علی                                        | ۹۳  |
| تنگه‌واشی                                       | ۹۹  |
| شکار شیر فتحعلی شاه                             | ۱۰۷ |
| فرزندان فتحعلی شاه و صخره‌تراشی                 | ۱۰۹ |
| ناصرالدین‌شاه آخرین                             | ۱۱۵ |
| صخره‌دوست قاجار                                 |     |
| چگونگی اجرای صخره‌تراشی                         | ۱۱۹ |
| باز هم شیراز                                    | ۱۲۱ |
| نارنجستان، خانه زینت‌الملوک، باغ ارم و باغ گلشن | ۱۲۵ |
| سنگ‌قبر تصویری                                  | ۱۳۷ |
| سنگ‌قبر ناصرالدین‌شاه                           | ۱۴۵ |
| سهم ناصرالدین‌شاه در مجسمه‌سازی                 | ۱۴۹ |
| حجاران قاجاری                                   | ۱۵۳ |
| علی‌اکبر حجار                                   | ۱۵۵ |
| آثار علی‌اکبر حجار                              | ۱۵۷ |
| کمال الملک                                      | ۱۶۰ |
| تهران و مجسمه‌های باغ اتابک و بانک‌شاهی         | ۱۶۱ |
| گچ‌بری تصویری                                   | ۱۶۳ |
| مجسمه‌های عامیانه                               | ۱۶۹ |
| یادداشت‌ها                                      | ۱۷۹ |
| کتابشناسی                                       | ۱۸۳ |
| منابع خارجی                                     | ۱۸۵ |

مجسمه‌سازی ایران پس از اسلام سرگذشتی شنیدنی دارد و فراز و سب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. طی این دوران طولانی با یک مجسمه‌ساز به نام «فرهاد» نام برده شده که او هم در هاله‌ای افسانه فرو رفته است. فراسوی نام فرهاد، گه‌گاه سلطانی مفتون از سانه‌ها و کاخ‌های شاهان پیش از اسلام، تلاشی در جهت نصب چند مجسمه گچی در کاخ خود کرده، اما همین که سر بر زمین گذاشته، آن رقه نیز به خاموشی گراییده و دوباره رکودی چند صد ساله حکمفرما شده است. سرانجام، فضای سحرانگیز و پرانه‌های هیخامنشی و ساسانی صخره‌های حجاری شده بر کوه‌ها که از گزند آدمیان مصون بوده، دانی از این مُلک را بر آن داشته تا با بارگشت به آن دوران، این بر از یاد رفته را جانی تازه بخشند و چیزی از خود به یادگار باقی دارند. شرح این ماجراها برای تاریخ‌نگاری که می‌خواهد سرگذشت مجسمه‌سازی ایران را در قالب کتاب ارائه دهد چیزی بیش از چند باره تاریخی و نمونه‌های پراکنده نیست، اما همین اشارات پراکنده از میّت فراوانی برخوردارند؛ گویانکه اغلب، فاقد آن صراحتی هستند که تاریخ‌نگار انتظار دارد.

حریم بُت‌سازی در اسلام و اثرات آن بر مجسمه‌سازی، نه تنها این مسئله را به‌سوی رکود کشاند، بلکه واژگان مربوط به آن را نیز دچار بحال کرد. واژه‌های عمومی چون «صورت»، «تصویر» و «شبیّه» که یاحان، شاعران و مورخان سده‌های گذشته از آن‌ها استفاده کرده‌اند، براحت لازم را برای تشخیص مجسمه‌سازی از نقاشی ندارند و معلوم است فاعل این کلمات یعنی صورت‌گر، تصویرگر و شبیه‌ساز در کدام یک از دو رشته فعال بوده‌اند. کلمه حجار هم که گه‌گاه به آن اشاره شده، گویا نیست و مشخص نمی‌شود، غرض از آن، حجاری تصویری سنگ‌تراشی بنایی است. ترس از همطرازی مجسمه و بُت یکی از لایل احتیاط نویسندگان در دوری جستن از واژگان مربوط به مجسمه بوده و این احتیاط تا مدت‌ها پس از آغاز مجسمه‌سازی ادامه داشته صرفاً از اواخر سده گذشته به‌کاربردن این واژه معمول شده است. طرفی در نوشته‌های شاعران و نویسندگان قرون گذشته اشاراتی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد مقصد و مقصود آن زنده نگه‌داشتن هنر مجسمه‌سازی بوده است. این اشارات که غالباً با نام فرهاد کوهکن آم است، گاه با چنان دلتنگی با حرفه فرهاد درآمیخته و وی را چنان صویر کرده، که خواننده تصور می‌کند فرهاد مجسمه‌سازی مافوق همه مجسمه‌سازان عالم بوده است. شاید هم به همین دلیل در اولین صتی که در تجدید حیات مجسمه‌سازی پیش آمد، فرهادهای زیادی



گل و میوه  
رنگ روغن روی مرمر  
کاخ گلستان، تهران

ظاهر گردیدند. آغاز مجسمه‌سازی ایران؛ به مفهوم تصویرگرایی آماج‌های شنیدنی دیگری هم دارد. از جمله صفوی‌ها که شیفته نقاشی اروپایی و شبیه به خودشان بر تابلو و دیوارهای کاخ‌هایشان بودند، این رسمیه به مجسمه‌سازان واقعی نگذاشتند و کار آن‌ها را به حجار زیر ستون محدود کردند. و در زمان زند و قاجار هم که دربار، محاربه و نمودنشان بود و نقاش، مفتخر به اخذ عناوین و مشاغل مهم درباری می‌شد، مورد مجسمه‌ساز استقلالی نداشت و می‌بایست که خود را زیر نظر نقاش باشی دربار انجام می‌داد. در اوایل قرن نوزدهم اندک فرجی حاصل شد و حجار اجازه یافت نام خود را بر کارش ثبت کند و از آن پس و از قتل آثار تحسین برانگیزی که به‌وجود می‌آورد، توانست مورد توجه بیشتری قرار گیرد. اما هنوز نیم قرن لازم بود تا کارش استقلال کافی بیابد و با عنوان مجسمه‌ساز شناخته شود و این مهم بالاخره در اواسط قرن نوزدهم مجری و به‌دست علی‌اکبر حجار جامه عمل پوشید. فاصله زمانی بین فرهاد کوهکن و علی‌اکبر حجار بالغ بر چهارده قرن می‌شود. در طی این دوران به مجسمه‌ساز توجهی نشد و مجسمه‌ساز به آن درجه از اهمیتی که دیگر اصناف هنرمند رسیدند، نرسید. با این وجود، کار این صنف به آهستگی و احتیاط پیش‌رفت و به‌رغم مشکلات فراوان، به نتایج غیرقابل باور رسید. این کتاب، تلاش اصلی خود را بر مجسمه‌ها و پیکره‌های آدمی بنا نهاده و سیر تحولات آن را دنبال کرده؛ اما از مجسمه‌های حیوانات نیز غافل نبوده و این تصمیم و جامع نکردن آن بیشتر به‌سبب و فواید مجسمه‌های حیوانی و جثه کوچک اغلب آن‌هاست.